

Original Article

The Mediating Role of Psychological Reactions of Resistance and Submission in the Relationship between Perception of Parenting Styles and Parental Bonding with Prosocial Behavior

Shahriyar Yarmohammadi Vasel^{1✉}, Masoumeh Aliabadifarahani²

1. Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, University of Bu-Ali Sina, Hamedan, Iran

2. Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, University of Bu-Ali Sina, Hamedan, Iran

Received: 2023/01/18

Revised: 2023/09/11

Accepted: 2023/11/28

DOI: <https://doi.org/10.48308/JFR.19.4.614>

This study was conducted with the aim of investigating the mediating role of psychological reactions of submission and resistance in the relationship between the perception of parenting styles and parental attachment with prosocial behavior. The methodology was descriptive-correlation. The statistical population was made up of all the students of the second grade of high school in areas 2 and 5 of Tehran, who were busy studying in 2021-2022, Among them, 258 people were selected and included in the analysis by multi-stage random sampling method. And they completed the questionnaires of parenting style, parental bond, psychological reaction and prosocial behavior. Data analysis was performed using software, SPSS and AMOS by path analysis method. The results showed that there is a relationship between parenting styles, parental bond, psychological reaction and community-friendly behavior. In other words, authoritarian parenting styles have a direct and indirect negative and significant effects on social behavior and by increasing the psychological response, it reduces prosocial behavior. Powerful parenting style and parental bonding have significant indirect effects on societal behavior and by reducing the psychological response, it increases prosocial behavior. through psychological response. Therefore, through parenting styles, it is possible to improve social behavior in young people and reduce psychological pressure on them, which has a significant impact in the future.

Keywords: Parental Relationship, Parenting Style, Social Behavior, Psychological reactions, Young people.

How to cite: Yarmohammadi Vasel, SH., Aliabadifarahani, M. (2024). The Mediating Role of Psychological Reactions of Resistance and Submission in the Relationship between Perception of Parenting Styles and Parental Bonding with Prosocial Behavior. *Journal of Family Research*. 19(4):614-632. <https://doi.org/10.48308/JFR.19.4.614>

✉Corresponding Author Email Address. yarmohamadivasel@basu.ac.ir



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

نقش میانجی واکنش‌های روانی مقاومت و تسلیم در رابطه بین ادراک از سبک‌های فرزندپروری و پیوند والدینی با رفتار جامعه‌پسند

شهریار یارمحمدی واصل^۱، معصومه علی‌آبادی فراهانی^۲

۱. گروه روانشناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲. گروه روانشناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸ دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

DOI: <https://doi.org/10.48308/JFR.19.4.614>

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی واکنش‌های روانی تسلیم و مقاومت در رابطه بین ادراک از سبک‌های فرزندپروری و پیوند والدینی با رفتار جامعه‌پسند انجام شد. روش مطالعه حاضر از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه این پژوهش را تمامی دانش‌آموزان پسر در مقطع دوم دبیرستان در مناطق ۲ و ۵ شهر تهران، در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، تشکیل می‌دادند، که از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای، تعداد ۲۵۸ نفر انتخاب و وارد تحلیل شدند و پرسش‌نامه‌های سبک‌های فرزندپروری، پیوند والدینی، واکنش روانی و رفتار جامعه‌پسند را پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و AMOS به روش تحلیل مسیر انجام گرفت. نتایج نشان داد، بین ادراک از سبک‌های فرزندپروری، پیوند والدینی، واکنش روانی و رفتار جامعه‌پسند رابطه وجود دارد. به عبارتی، سبک‌های والدینی مستبد بر روی رفتار جامعه‌پسند، به طور مستقیم و غیرمستقیم دارای اثرات منفی و معنادار است و با افزایش واکنش روانی، باعث کاهش رفتار جامعه‌پسند می‌شود. سبک والدینی مقتدر و پیوند والدینی به واسطه واکنش روانی، بر رفتار جامعه‌پسند اثرات غیرمستقیم معنادار می‌گذارد و با کاهش واکنش روانی باعث افزایش رفتار جامعه‌پسند می‌شود. لذا از طریق هدایت سبک‌های والدینی می‌توان به منظور ارتقای رفتار جامعه‌پسند در نوجوانان و کاهش واکنش‌های روانی در آن‌ها، که در آینده‌شان تأثیر بسزایی دارد، اقدام کرد.

کلیدواژه‌ها: پیوند والدینی، سبک‌های والدینی، رفتار جامعه‌پسند، واکنش روانی، نوجوانان.

استناد به این مقاله: یارمحمدی واصل، ش.، علی‌آبادی فراهانی، م. (۱۴۰۲). نقش میانجی واکنش‌های روانی مقاومت و تسلیم در رابطه بین

ادراک از سبک‌های فرزندپروری و پیوند والدینی با رفتار جامعه‌پسند. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. ۱۹(۴)، ۶۳۲-۶۱۴.

مقدمه

انسان‌ها توانایی فوق‌العاده‌ای برای به‌اشتراک‌گذاری حالات عاطفی و درک متقابل هم دارند. این توانایی برای انسان‌ها حیاتی است؛ زیرا امکان تعامل‌های اجتماعی و روابط مناسب با دیگران را فراهم می‌کند. در واقع انسان آموخته است که به دلیل وجود همپوشانی‌های فراوان بین منافع فردی و اجتماعی، باید یاد بگیرد چگونه در اجتماع رفتار کند. این منافع فردی ممکن است اشکال متفاوتی داشته باشد، و گاهی انگیزه خودمحوری مبنای کنش اجتماعی می‌شود (لابرو و گلد اسمیت^۱، ۲۰۲۱). همچنین این مزایا می‌تواند شیوه‌ای که فرد برای انتخاب رفتاری خاص، که مقبولیت اجتماعی نیز داشته باشد را تحت تاثیر قرار دهد. در واقع انواع متمایزی از رفتارهای اجتماعی مثبت با انگیزه‌های شخصی متفاوت وجود دارد (کین، پادایلا والکر، لاورا، هلمگرن، دویس و کالیر^۲، ۲۰۱۷). لذا باتوجه‌به چندبعدی بودن رفتار جامعه‌پسند، میان پژوهشگران علاقه روزافزونی به مطالعه این‌گونه رفتار و سنجش آن و عوامل فیزیولوژیکی و روانی مؤثر در آن به وجود آمده است (مارش، مارش، لی و هارلمان^۳، ۲۰۲۰).

رفتار جامعه‌پسند، به طور گسترده، به عنوان اقدامات داوطلبانه برای کمک کردن به دیگران تعریف می‌شود و این رفتارها هیچ سودی برای انجام‌دهنده‌اش ندارد (برازلی، گرازنی و پیه^۴، ۲۰۲۰). رفتار جامعه‌پسند به ارتباط با دیگران و ترویج اقدامات اجتماعی مثبت اشاره دارد و به عنوان یک سازوکار حفاظتی شخصی در طول فرایند رشد عمل می‌کند، که می‌تواند روابط بین‌فردی و پذیرش توسط دیگران را افزایش دهد (باگان، پورکار و لیورکا^۵، ۲۰۱۹). فردی که به میزان درخور توجهی رفتار جامعه‌پسند دارد، ویژگی‌های فردی و اجتماعی مثبتی مانند داشتن استدلال اخلاقی، همدردی، خودتنظیمی، اعتماد، پرخاشگری کم و سطح بالای روابط هماهنگ والدین و فرزندان را خواهد داشت (آریفیانتی^۶، ۲۰۱۹).

مبدأ این رفتارها در دو جنس تحت‌تأثیر جنبه‌های مختلف بافت اجتماعی است. این تفاوت‌های مشاهده‌شده به درک ریشه‌های اجتماعی بودن انسان کمک می‌کند. در این راستا، زنان در حوزه کمک به دوستان و خانواده فعالیت دارند، و مردان در حوزه قدرت و همکاری با دیگران؛ لذا در رفتارهای کمکی داوطلبانه و کمک‌های خیریه تفاوت بین دو جنس اندک است (الکساندر و همکاران^۷، ۲۰۲۱). انگیزه‌های بیرونی و درونی نیز در این راستا نقش دارند (کیل، انیل و گراسز^۸، ۲۰۲۱). نقش‌هایی که هر فرد در پویایی اجتماعی غالب ایفا می‌کند، کلیشه‌های فرهنگی، اجتماعی و سبک‌های فرزندپروری نیز می‌توانند رفتار جامعه‌پسند را از طریق افزایش ظرفیت‌های فردی تحت‌تأثیر قرار بدهند (لان و وانگ^۹، ۲۰۲۰). رشد رفتار جامعه‌پسند در دوران نوجوانی زمانی شروع می‌شود که نوجوانان وارد مرحله بلوغ می‌شوند؛ زیرا در آن زمان نوجوانان در اثر تغییرات هورمونی، رشد فیزیکی سریعی دارند، و رشد جسمانی همراه با افزایش قدرت بدنی نوجوانان را قادر می‌سازد این رفتارها را افزایش دهند (سیاهریل، یوژاف، ایلفیاند و ادیپوترا^{۱۰}، ۲۰۲۰). جامعه‌پسندی شخصیت، به عنوان ویژگی شخصیتی، به نشان دادن رفتارهای شایسته گفته می‌شود که هنگام سنجش باعث می‌شود فرد پاسخ‌های تصنعی و ناسازگار با واقعیت ارائه بدهد تا از نظر دیگران و جامعه پسندیده شود. در واقع جامعه‌پسندی شخصیت متغیری نزدیک به منبع کنترل بیرونی و کنترل غیرخودمختارانه و اجباری احساس در واکنش روانی افراد در فرونشانی احساسات است (شمخالی^{۱۱}، ۱۳۹۹).

واکنش روانی حالت انگیزشی است که هدف آن بازگرداندن آزادی در رفتارهایی است که فرد به حذف آن‌ها تهدید شده است. نظریه‌ای که آزادی تهدید شده فرد و به دنبال آن واکنش‌ها را در فرد به لحاظ نظری تبیین می‌کند، نظریه واکنش روانی (PRT)^{۱۲} جک برم^{۱۳} (۱۹۹۶) است (لایرد و فرازر^{۱۴}، ۲۰۱۹). در واکنش روانی، واکنش در برابر تسلیم، اشاره به موقعیتی دارد که فرد بار قوانین و مقررات و خواسته‌های دیگران را تحمل می‌کند و مقاومت در برابر نفوذ، به موقعیتی اشاره دارد که دیگران در صدد کنترل رفتار وی هستند. طبق این نظریه، افراد برای آزادی انتخاب و استقلالشان ارزش قائل‌اند و اعتقاد دارند این حق ذاتی آن‌هاست که عامل مستقل باشند. هنگامی که فرد تهدیدهایی را متوجه استقلال و آزادی خود می‌بیند، حالت انگیزشی به نام واکنش القا می‌شود (کانگ^{۱۵}، ۲۰۲۰). در واقع (برم و برم، ۱۹۸۱) اعتقاد داشتند واکنش شامل میل شدید برای انجام کاری (به سوی بازگرداندن آزادی) است و ممکن است با احساس خشم، خصومت و استدلال متقابل فعال در پاسخ به پیام‌های تهدیدکننده آزادی باشد (کلایتون، لنگ، لشنر و کوئیک^{۱۶}، ۲۰۱۹). در این نظریه، مفهوم واکنش صفتی است که یک واکنش شخصیتی مستقل از محرک را نشان می‌دهد. همچنین افراد در چگونگی نشان دادن واکنش تفاوت‌های زیادی را نشان می‌دهند. خشم، به عنوان احساس اصلی برانگیختگی واکنش، در صورتی به وجود می‌آید که موضوع عینی باشد یا فرد احساس کند تحت کنترل است؛ در نتیجه مردم از منابع خود برای مقاومت و غلبه بر موضوع استفاده می‌کنند. از سویی دیگر، اضطراب، به دلیل عدم اطمینان و ارزیابی خطر زیاد، موجب انطباق در افراد می‌شود (ولنتینو^{۱۷}، ۲۰۱۱). واکنش روانی در آغاز همه‌گیری کرونا، به جای مقاومت، اطاعت بیشتر بود. ترس واقعی در آغاز، موجب اطاعت بیشتری نسبت به غم و اندوه که واکنش مقاومت را به همراه دارد، شد (هاجک و هافنر^{۱۸}، ۲۰۲۱). همچنین اجبارهای قانونی فقط زمانی تأثیری هرچند موقتی در اطاعت از قانون و رفتارهای ناپسند داشت که افراد با درونی‌سازی قانون آن را تأیید می‌کردند. زمانی که پیشنهاد داده شده از سطح تحمل آن‌ها برای محدود کردن اراده آزاد آن‌ها فراتر می‌رفت، نتایج منفی و گاهی مقاومت را به همراه داشت (سوک کیم^{۱۹}، ۲۰۲۱).

والدین با سبک‌های فرزندپروری، نقش مهمی در ایجاد واکنش روانی در فرزندان دارند. تقویت والدین در انطباق فرزند با رفتارهای اجتماعی درخواستی، با انطباق فرزند با درخواست‌های هم‌سالان برای رفتار اجتماعی، رابطه منفی داشت و با نسبت رفتارهای مقاومت رابطه مثبت داشت. تقویت مکرر والدین واکنشی را در کودکان ایجاد می‌کند (برم، ۱۹۸۱) که به سطوح پایین‌تری از رفتارهای اجتماعی منجر می‌شود. همچنین تأکید والدین به اطاعت تأثیری مخرب بر روی بازی‌های اجتماعی دارد. در واقع تأکید والدین مبنی بر اینکه از دیگران اطاعت داشته باشند، واکنش‌های روانی در افراد را افزایش می‌دهد و با تهدید شدن خودمختاری در عمل و اجبار در عمل، انگیزه‌های اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد و این کودکان با درخواست‌های هم‌سالانشان خود بیشتر مخالفت می‌کنند (ایزنبرگ، ولکیک، گلدبرگ و انگل^{۲۰}، ۱۹۹۲). همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین شخصیت جامعه‌پسند با واکنش روانی رابطه منفی وجود دارد (یوسفی و سپاه‌منصور^{۲۱}، ۱۳۹۶). اثر هنجارهای اجتماعی، یعنی اثبات اجتماعی به عنوان یک منبع خارجی، باعث میزان انطباق و اطاعت بیشتری در آزمودنی‌ها در رفتار جامعه‌پسند و کمک به افراد سرطانی شد (پاسکال، سالونوا و بوهاسین^{۲۲}، ۲۰۲۱).

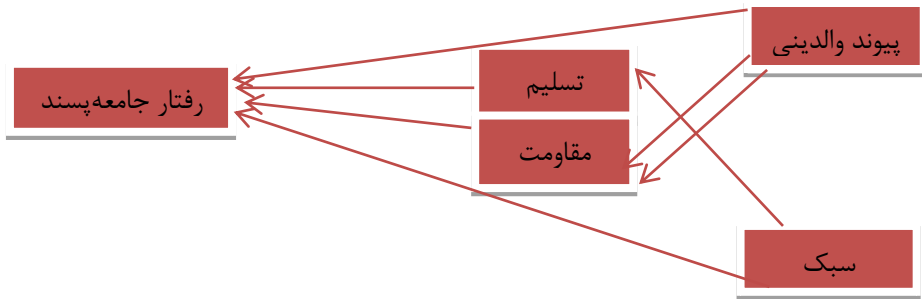
نقش والدین در کاهش واکنش روانی مقاومت و تسلیم، در مسئله خودمختاری است. حمایت از خودمختاری با راهکارهای تنظیم هیجانی مناسب‌تر در نوجوانان مرتبط است. والدین کنترلگر نیاز به خودمختاری را نادیده می‌گیرند و رفتارهای واکنش‌دهنده را برمی‌انگیزند. والدین گرم و حمایتی به جای اینکه احساس فشار برای تسلیم شدن داشته باشند، فرصت تأیید انتخاب می‌دهند (میستون، لویکس، برنگ و پتگم^{۲۳}، ۲۰۱۸). لذا کارکرد درست خانواده می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از نتایج منفی، به ویژه مسائل رفتار درونی و بیرونی داشته باشد. سبک‌های والدینی که والدین ایفا می‌کنند، اگر در ضمن کنترل کامل به استقلال شخصی و آزادی انتخاب نوجوانان توجه داشته باشد، می‌تواند در نوع واکنش روانی نتایج ارزشمندی داشته باشد (مرسلی و پاسینی^{۲۴}، ۲۰۲۱).

آنچه در ارتباط والدین و فرزندان و شیوه‌های فرزندپروری مهم است، ادراکات والدین درباره استقلال و شایستگی نوجوان است، به طوری که این ادراکات ممکن است با نحوه درک خود نوجوان مطابقت نداشته باشد (وان نی، وان کلیف و وان تریچیپ^{۲۵}، ۲۰۲۱). پارکر (۱۹۹۰)، بر اساس نظریه دلبستگی بالبی می‌گوید توجه اندک و محافظت بیش از حد، از ابعاد مهم در پیوند والدینی هستند. «توجه» یعنی اینکه والدین افرادی فهیم‌اند و رفتاری گرم و همدلانه و دوستانه دارند. آن‌ها معمولاً در کنار فرزندان‌شان حضور دارند و با آن‌ها گفت‌وگو و او را درک می‌کنند. والدینی که توجه کافی به فرزندان نداشته باشند، منشأ اثر نیستند، بلکه والدینی سرد و طردکننده هستند. در محافظت بیش از حد، والدین حمایت‌کننده افراطی، عامل وابستگی و عقب‌ماندگی از لحاظ استقلال هستند. این محافظت بیش از حد یکی از عوامل خطرآفرین محسوب می‌شود. همچنین برخی یافته‌ها نشان می‌دهند که محافظت کم می‌تواند نشانه‌ای از بی‌تفاوتی باشد (بهزادی، سروقد و سامانی^{۲۶}، ۱۳۹۰). در خانواده‌های محافظت‌کننده، به فرزندان و دیدگاه‌هایشان توجه کمی می‌شود و نظر والدین بر نظر دیگر اعضای خانواده ارجح است و تصمیم‌گیرندگان نهایی والدین هستند و فرزندان باید از آن‌ها اطاعت و حرف‌شنوی داشته باشند. این سبک که بر هم‌نوایی و اطاعت از مراجع قدرت تأکید دارد، به کناره‌گیری کودکان و گوشه‌گیری آن‌ها منجر می‌شود (ایزنبرگ و همکاران، ۱۹۹۲).

سبک‌های فرزندپروری به عنوان سازه‌ای روان‌شناختی، به روش‌هایی اشاره دارد که والدین در تربیت فرزندان‌شان به کار می‌گیرند. اکثر والدین شیوه‌های فرزندپروری را از والدین خود یاد می‌گیرند (مسی رادو و ریچاد^{۲۷}، ۲۰۲۰). در واقع هر خانواده برای برقراری ارتباط با فرزندان، شیوه تربیتی خاصی را در نظر می‌گیرد که فرزندپروری نامیده می‌شود (پیش‌قدم و ابراهیمی^{۲۸}، ۱۴۰۱). والدینی که از خودکارآمدی والدگری برخوردارند، توانایی بیشتری در شناسایی راهبردهای مؤثر فرزندپروری دارند (قره‌داغی و امانی^{۲۹}، ۱۴۰۱). ادراک افراد از شیوه تربیتی و فرزندپروری والدین‌شان، نقش مهمی در جهت‌گیری انگیزشی آن‌ها دارد (گراوند^{۳۰}، ۱۴۰۱). جاکوبسن (۱۹۹۴) فرزندپروری را به چهار سبک متمایز طبقه‌بندی کرد: ۱. والدین مستبد، که از فرزندان‌شان انتظار اطاعت و میزان تقاضای بالایی دارند. برخی از فرزندان آن‌ها در نوجوانی طغیان می‌کنند و بیشتر گوشه‌گیر و بداخلاق هستند؛ ۲. والدین مقتدر تقاضا و پاسخ‌گویی بالایی دارند. آن‌ها برای فرزندان خود محدودیت تعیین می‌کنند و برای این کار دلایلی ارائه می‌دهند. فرزندان این سبک از نظر اجتماعی مسئول هستند و عزت‌نفس بالایی دارند (آدرانتی و موتولانی^{۳۱}، ۲۰۲۰). تقاضاهای والدین مقتدر به عنوان کنترل معقول شناخته می‌شود که با نتایج مثبت همراه است. درحالی‌که کنترلی که توسط والدین

مستبد به کار می‌رود، کنترل اجباری شناخته می‌شود که با حالت مخرب نمایش قدرت مشخص می‌شود و اثرات منفی به همراه دارد؛ ۳. در سبک سهل‌گیر که با پذیرش بالا و کنترل پایین مشخص می‌شود، کودکان سطوحی از رفتارهای پرخاشگرانه دارند (اونساندو، امونجی و گیتویو^{۳۲}، ۲۰۲۱)؛ ۴. در رابطه با سبک‌های فرزندپروری و رفتار جامعه‌پسند، سبک والدینی مقتدر و ابعاد آن مانند کنترل و عاطفه مثبت، برای بلوغ اجتماعی و رفتار جامعه‌پسند در دوران نوجوانی بسیار مهم است و به کاهش اختلال‌های رفتاری منجر می‌شود (مالوندا، لیرکا، مسی رادو، سمپر و مستری^{۳۳}، ۲۰۱۹). ارتباطات مادرانه گرم و عاطفه مثبت با سطوح بالایی از رفتارهای اجتماعی فرزندان با غریبه‌ها و دوستان و خانواده همراه است و باعث می‌شود به اطرافیان و همسالان نشان بیشتر کمک کنند. در سبک فرزندپروری مستبدانه، کودکان گوشه‌گیر و ترسو و فاقد استقلال هستند و مهارت‌های اجتماعی پایینی دارند که می‌تواند زمینه‌ساز رفتار پرخاشگرانه با خود و دیگران باشد (باتز، ساموری و لنون^{۳۴}، ۲۰۲۰). لذا ناتوانی والدین در هدایت فرزندان به غرور کمتر، اعتمادبه‌نفس کمتر در تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌های منفعلانه منجر می‌شود. فرزندان که از شایستگی‌های کمتری برخوردارند، در درازمدت در معرض عملکرد ضعیف و اختلال‌های رفتاری قرار می‌گیرند. پس سبک‌های فرزندپروری می‌تواند فرزندان را به سوی رفتارهای اجتماعی و جامعه‌پسند سوق دهد یا از آن دور نگاه دارد (امران و بصره^{۳۵}، ۲۰۲۰).

بالبی (۱۹۸۰) تأکید می‌کند باتوجه‌به اینکه کودکان خلق‌وخوهای یکسانی ندارند، بنابراین سبک‌های فرزندپروری هرکدام از آن‌ها منحصربه‌فرد است (بهزادی، سروقد و سامانی، ۱۳۹۰). والدین با نقشی که در بالا بردن به‌زیستی روان‌شناختی دارند، می‌توانند باعث کاهش واکنش روانی مقاومت (طغیان) در فرزندان شوند (کین و همکاران، ۲۰۱۷). پایین بودن مقاومت در رفتار جامعه‌پسند مهم است، زیرا وقتی شخص احساس کند که آزادی انتخاب دارد، انتظار می‌رود آنچه از او می‌خواهند، انجام بدهد. بنابراین استنباط‌های کلامی ساده که احساس آزادی در آن فهمیده شود، واکنش روانی مقاومت را کاهش داده و انطباق افراد با درخواست‌ها را افزایش می‌دهد (پاسکال و همکاران، ۲۰۲۱). از طرفی، دوار (۲۰۱۰) سبک فرزندپروری مستبد را به این دلیل که فرزندان مجبور به اطاعت هستند، مستعد (تسلیم) می‌داند. اما بیشتر متون بازبینی‌شده، والدین مستبد را مستعد طغیان (مقاومت) و در نتیجه پرخاشگری و رفتارهای نامناسب نسبت می‌دانند که با یافته‌های دوار (۲۰۱۰) در تناقض است (ادرناتی و موتانی، ۲۰۲۰). پس باتوجه‌به تناقض‌ها در پژوهش‌ها ضرورت ایجاد می‌کند که واکنش روانی مقاومت و تسلیم بیشتر بررسی شود. سرانجام جامعه‌پسندی متغیری چندعلتی است که نمی‌توان تأثیرات متغیرهایی همچون واکنش روانی و ادراک رفتار والدین را بر آن نادیده گرفت (صیدی، احمدیان و صفاری‌نیا^{۳۶}، ۱۳۹۸). از طرفی به علت کمی پژوهش در ارتباط با واکنش‌های روانی در نوجوانان، پژوهش حاضر با هدف آزمون الگوی مفهومی طراحی شده، برای تعیین ارتباط بین سبک‌های والدینی و پیوند والدینی با رفتار جامعه‌پسند با نقش واسطه‌ای واکنش روانی مقاومت و تسلیم انجام شد.



روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که در آن ارتباط بین متغیرهای پژوهش در قالب تحلیل مسیر بررسی شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانش‌آموزان مدارس پسرانه در مقطع متوسطه دوم شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱، که در مناطق ۲ و ۵ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌داد. حجم نمونه در نظر گرفته شده برای این پژوهش سیصد نفر بود که با حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، تعداد ۲۵۸ پرسش‌نامه بررسی شد. در این مطالعه به علت دسترسی به مدارس پسرانه منطقه ۵ و ۲ از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد؛ بدین ترتیب که بعد از انتخاب این مناطق، سه مدرسه به صورت تصادفی از بین مدارس انتخاب شدند. با همکاری مدیران و معاونان مدارس انتخاب‌شده، ماهیت پژوهش، اهداف پژوهشی و نقشی که هر کدام از دانش‌آموزان در دادن پاسخ‌های صادقانه و اجتناب از تحریف داده‌ها را دارند، برای آن‌ها توضیح داده شد. لذا رضایت آن‌ها در زمینه همکاری در مطالعه جلب شد. همچنین باتوجه به بی‌نام بودن پرسش‌نامه‌ها به دانش‌آموزان اطمینان خاطر داده شد که اطلاعات و پاسخ‌هایشان کاملاً محرمانه خواهد ماند. لذا همه دانش‌آموزان آگاهانه وارد پژوهش شدند. معیارهای ورود آزمودنی‌ها به پژوهش عبارت بودند از: دانش‌آموزان پسر مقطع دوم متوسطه، ساکن مناطق ۲ و ۵ شهر تهران، علاقه‌مند به همکاری و مبتلا نبودن به هرگونه بیماری روانی و جسمی حاد که در پرونده تحصیلی آن‌ها ثبت شده بود.

در این پژوهش باتوجه به تعداد متغیرهای موجود در مدل، از چهار ابزار مختلف استفاده شد.

پرسش‌نامه جامعه‌پسند^{۳۷}: پتر (۲۰۰۰)؛ این پرسش‌نامه مشتمل بر سی گویه و هفت خرده‌مقیاس مسئولیت اجتماعی، ارتباط همدلانه، استدلال‌های اخلاقی دوجانبه، استدلال‌های اخلاقی جهت‌گیری‌شده دیگران، نوع‌دوستی گزارشی، پریشانی فردی، نگاه از منظر دیگران است. این هفت خرده‌مقیاس دو عامل هم‌حسی جهت‌گیری‌شده دیگران و کمک‌رسانی را می‌سنجند. نمره عامل ۱ (هم‌حسی جهت‌گیری‌شده دیگران) حاصل مجموع نمره‌های مسئولیت اجتماعی، ارتباط همدلانه، نگاه از منظر دیگران، استدلال اخلاقی جهت‌گیری‌شده دیگران، و نمره عامل ۲ (کمک‌رسانی) حاصل مجموع نمره‌های پریشانی فردی و نوع‌دوستی خودگزارشی است. نمره‌گذاری گویه‌های ۱ تا ۲۵ بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای به صورت «کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵» و نمره‌گذاری گویه‌های ۲۶ تا ۳۰ به صورت «هرگز=۱ تا بیشتر اوقات=۵» انجام می‌شود. بنابراین حداقل و حداکثر نمره‌ها به ترتیب با ۳۰ و ۱۵ خواهد بود. در مطالعه باجلان (۱۳۹۰)،

پایایی مقیاس با اجرای آن بر روی ۸۵۰ دانشجوی (۴۶۲ زن و ۳۸۸ مرد) دانشگاه پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی با استفاده از روش بازآزمایی برای کل مقیاس ۰/۹۸ و برای خرده‌مقیاس‌های آن بین ۰/۱۷ تا ۰/۷۴ به دست آمد که میزان رضایت‌بخشی است. همچنین نتایج مطالعه با استفاده از روایی پرسش‌نامه با پرسش‌نامه پنج‌عاملی نئو، حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین پرسش‌نامه شخصیت جامعه‌پسند و پرسش‌نامه پنج‌عاملی (I=۰/۴۱) بود (ملایوسفی و سپاه‌منصور، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

مقیاس واکنش روانی هانگ و فادا^{۳۸} (۱۹۹۶): این مقیاس مشتمل بر چهارده گویه و چهار خرده‌مقیاس واکنش در برابر تسلیم، مقاومت در برابر نفوذ دیگران، واکنش در برابر نصیحت و توصیه، و پاسخ‌های هیجانی در برابر محدودیت انتخاب است. گویه‌ها در طیف پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) نمره‌گذاری دارند. بنابراین نمره‌های بالا و پایین برابر با ۱۴ و ۷ هستند (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴). هانگ و فادا (۱۹۹۶) با انجام دادن این مقیاس روی ۱۴۲۵ دانشجوی دانشگاه و ۱۶۶۰ آزمودنی غیردانشجو در استرالیا، پایایی مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای نسخه ۱۴ و ۱۱ گویه‌ای، به ترتیب برابر با ۰/۸ و ۰/۷۷ گزارش دادند. براون و فرانس (۲۰۱۰) با اجرای نسخه ۱۴ گویه‌ای بر روی ۱۲۸۶ دانشجوی سال اول در آمریکا و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی به این نتیجه رسیدند که مدل چهارعاملی برازش خوبی را داراست و همبستگی عامل از ۰/۴۸ تا ۰/۸۱ تغییر می‌کرد. نتایج تحلیل عامل تأییدی در پژوهش صفاری‌نیا (۱۳۹۴) و برای هنجاریابی این پرسش‌نامه در پانصد زن و مرد شهر تهران نشان داد که در ایران مدل چهارعاملی برازش خوبی دارد. همچنین صفاری‌نیا (۱۳۹۴) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۱ گزارش کرد (صیدی و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهش حاضر پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد.

پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری^{۳۹}: دایانا بامریند (۱۹۷۳) فرم اولیه این پرسش‌نامه را که ده گویه دارد، طراحی کرده است. این پرسش‌نامه را حسین‌پور (۱۳۸۱) ترجمه شده کرده است که پس از تحلیل عاملی معلوم شد که گویه‌های ۲۸، ۱۴، ۱۳، ۲۶ روی هیچ عاملی معنادار نیستند. این پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری مستبد، سهل‌گیر و مستبد را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. و گویه‌ها در طیف پنج‌درجه‌ای «کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم» نمره‌گذاری می‌شوند. بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسش‌نامه از روش افتراقی استفاده و مشاهده کرد که شیوه استبدادی دارای رابطه منفی با سهل‌گیری و مقتدر دارد و شیوه سهل‌گیرانه رابطه معنادار با شیوه مقتدر نداشت. پودینه و همکاران (۱۳۹۵) برای به دست آوردن پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ، مقدار ضریب آلفا برای سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، قاطع، و سهل‌گیر به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۳ و ۰/۷۵ به دست آوردند (ذکایی‌فر و موسی‌زاده، ۴، ۱۳۹۸). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای سبک فرزندپروری مستبد ۰/۷۲ و برای سبک فرزندپروری قاطع ۰/۸۰ به دست آمد.

پرسش‌نامه پیوند والدینی^{۴۱}: این پرسش‌نامه توسط گوردن پارکر، هیلاری تاپلینگ و وال بی برانر (۱۹۷۹) ساخته شده است. این پرسش‌نامه ادراک فرزندان بالای شانزده سال را از والدین می‌سنجد. این ابزار دارای ۲۵ گویه، ۲ خرده‌مقیاس؛ مراقبت (۱۲ سؤال) و حمایت افراطی (۱۳ سؤال) تشکیل شده است. نمره‌گذاری

پرسش‌نامه به صورت طیف چهارلیکرتی «خیلی زیاد تا خیلی کم» است. حداقل و حداکثر نمره‌های این پرسش‌نامه ۲۵ تا ۱۰۰ است. محمدی (۱۳۸۳) پایایی پیوند والدینی را از طریق روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی برای ابعاد مراقبت و حمایت بیش از حد به ترتیب برابر ۰/۸۳ و ۰/۶۷ گزارش دادند و ترا و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی روایی سازه این ابزار را گزارش دادند (سامانی و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر، پایایی به روش آلفای کرونباخ برای ابعاد مراقبت و حمایت بیش از حد به ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۷۲ به دست آمد.

یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS، برای یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی و از نرم‌افزار AMOS، برای تحلیل مسیر، و بررسی مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم استفاده شد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر اصلی	متغیرهای فرعی	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
پیوند والدینی	مراقبت	۲۳/۰۶	۶/۴۷	-۰/۵۷۲	-۰/۳۸۷
	حمایت افراطی	۲۱/۹۹	۸/۰۷	-۰/۱۱۹	-۰/۶۲۰
سبک والدینی	مستبد	۱۹/۳۳	۶/۳۷	۰/۲۵۷	-۰/۶۰۰
	قاطع	۱۶/۷۵	۵/۱۹	-۱/۵۰	-۰/۷۸۸
واکنش روانی	واکنش در برابر تسلیم	۱۱/۲۵	۲/۴۹	-۰/۳۹۹	۰/۵۹۶
	مقاومت در برابر نفوذ دیگران	۱۱/۴۷	۲/۸۹	-۰/۱۵۶	۰/۱۲۵
جامعه‌پسند	جامعه‌پسند	۹۰/۴۵	۱۴/۷۲	-۰/۴۸۳	-۰/۳۷۵

جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همچنین، باتوجه به جدول بالا مقدار چولگی و کشیدگی مشاهده شده برای متغیرهای پژوهش در بازه (۲، -۲) قرار گرفت. این نشان می‌دهد، توزیع متغیرها دارای کشیدگی و چولگی نرمال است.

جدول ۲: آزمون کالموگروف-اسمیرنوف

متغیرها	Z مقدار	α	Sig (2-tailed)	بودن نرمال وضعیت
مراقبت	۰/۰۶۰	۰/۰۵	۰/۱۸۷	نرمال
حمایت افراطی	۰/۰۵۶	۰/۰۵	۰/۱۹۲	نرمال
مستبد	۰/۰۵۵	۰/۰۵	۰/۱۹۴	نرمال
قاطع	۰/۰۷۹	۰/۰۵	۰/۱۲۷	نرمال
واکنش در برابر تسلیم	۰/۰۶۳	۰/۰۵	۰/۱۸۲	نرمال
مقاومت در برابر نفوذ دیگران	۰/۰۶۱	۰/۰۵	۰/۱۸۵	نرمال
جامعه‌پسند	۰/۰۵۶	۰/۰۵	۰/۱۹۲	نرمال

همان گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، مقدار آماره Z بزرگ‌تر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال است.

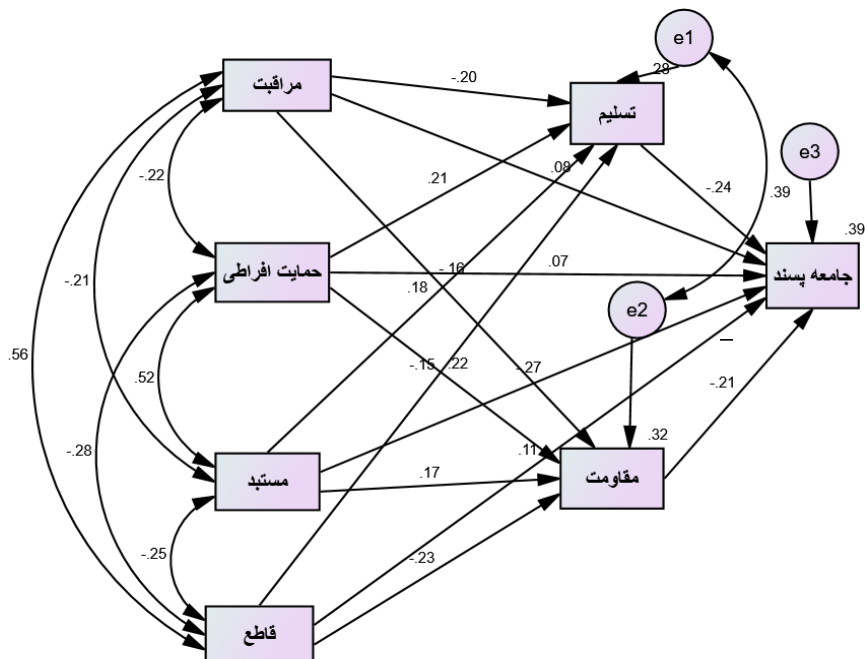
به منظور بررسی الگوهای همبستگی بین متغیرها از روش همبستگی پیرسون استفاده شده که در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. مراقبت	-						
۲. حمایت افراطی	-۰/۲۲**	-					
۳. مستبد	-۰/۲۱**	۰/۵۳**	-				
۴. قاطع	۰/۵۶**	-۰/۲۸**	-۰/۲۵**	-			
۵. واکنش در برابر تسلیم	-۰/۳۷**	۰/۳۹**	۰/۳۷**	-۰/۳۶**	-		
۶. مقاومت در برابر نفوذ دیگران	-۰/۳۷**	۰/۴۱**	۰/۳۸**	-۰/۴۳**	۰/۵۷**	-	
۷. رفتار جامعه‌پسند	۰/۳۵**	-۰/۲۹**	-۰/۴۴**	۰/۳۸**	-۰/۵۰**	-۰/۵۰**	-

** $(P < 0.01)$; * $(P < 0.05)$

در جدول شماره (۳)، ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش بررسی شد که تمامی این مقادیر در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بر اساس جدول شماره (۳)، بین حمایت افراطی، سبک مستبد، واکنش در برابر تسلیم و واکنش مقاومت در برابر نفوذ دیگران با رفتار جامعه‌پسند رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($P < 0.01$). همچنین، بین مراقبت و سبک قاطع با رفتار جامعه‌پسند ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0.01$). در بخش آزمون مدل، برای تحلیل مسیر از نرم‌افزار AMOS استفاده شد. مدل پیشنهادی در ابتدای تحلیل برازش مطلوب نداشت، لذا اصلاح مدل به بهبودی شاخص‌های مدل منجر شد.



شکل ۱. مدل پژوهش: ضرایب استاندارد مسیره‌ها

همان‌طور که در شکل شماره (۱) ملاحظه می‌شود، ضریب مسیر مراقبت ($\beta = -0/20$)، حمایت افراطی ($\beta = 0/21$)، مستبد ($\beta = 0/18$) و قاطع ($\beta = -0/15$) به تسلیم معنادار بود. ضریب مسیر مراقبت ($\beta = -0/16$)، حمایت افراطی ($\beta = 0/22$)، مستبد ($\beta = 0/17$) و قاطع ($\beta = -0/23$) به مقاومت معنادار بود. همچنین، ضریب مسیر تسلیم ($\beta = -0/24$) و مقاومت ($\beta = -0/21$) به رفتار جامعه‌پسند معنادار بود. افزون بر این، ضریب مسیر سبک مستبد ($\beta = -0/27$) به جامعه‌پسند معنادار بود. اما ضریب مسیر مراقبت ($\beta = 0/08$)، حمایت افراطی ($\beta = -0/07$) و قاطع ($\beta = 0/11$) به جامعه‌پسند معنادار نبود.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مسیر مراقبت، حمایت افراطی و سبک قاطع به جامعه‌پسند معنادار نیست، به این صورت که با ورود واکنش‌های روانی تسلیم و مقاومت به مدل، مسیر سبک‌های والدینی مقتدر و پیوند والدینی (مراقبت و محافظت افراطی) به رفتار جامعه‌پسند معناداری خود را از دست داد. به این ترتیب، می‌توان بیان کرد که واکنش‌های روانی در برابر تسلیم و مقاومت در برابر نفوذ دیگران در رابطه بین سبک‌های والدینی با رفتار جامعه، نقش میانجی دارد.

جدول ۴: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
از مستبد به روی جامعه‌پسند	-0/27	-0/08	-0/35
از حمایت به روی جامعه‌پسند	-0/07	-0/10	-0/17
از مراقبت به روی جامعه‌پسند	0/08	0/08	0/16
از قاطع به روی جامعه‌پسند	0/11	0/08	0/19
از تسلیم به روی جامعه‌پسند	-0/24	-	-0/24
از مقاومت روی جامعه‌پسند	-0/21	-	-0/21
از قاطع به روی واکنش تسلیم	-0/15	-	-0/15
از قاطع به روی واکنش مقاومت	-0/23	-	-0/23
از مستبد به روی واکنش تسلیم	0/18	-	0/18
از مستبد به روی واکنش مقاومت	0/17	-	0/17
از مراقبت به روی واکنش تسلیم	-0/20	-	-0/20
از مراقبت به روی واکنش مقاومت	-0/16	-	-0/16
از حمایت به روی واکنش تسلیم	0/21	-	0/21
از حمایت به روی واکنش مقاومت	0/22	-	0/22

جدول ۵: خلاصه آماره‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش	RMSEA	CFI	NNFI	IFI	GFI	AGFI
آماره	0/079	0/952	0/947	0/954	0/970	0/80

باتوجه به شاخص‌های مدل، بیشتر شاخص‌ها قابل قبول هستند. به این ترتیب، مدل اجراشده دارای برازش مناسبی است. بنابراین، باتوجه به مسیرهای مدل می‌توان گفت که سبک والدینی قاطع و مراقبت به واسطه کاهش واکنش روانی تسلیم و کاهش واکنش روانی مقاومت موجب افزایش رفتار جامعه‌پسند می‌شود.

همچنین، سبک والدینی مستبد و حمایت افراطی به واسطه افزایش واکنش روانی تسلیم و مقاومت موجب کاهش رفتار جامعه‌پسند می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر تدوین مدل روابط بین سبک والدینی با رفتار جامعه‌پسند با نقش میانجی واکنش‌های روانی مقاومت در برابر نفوذ دیگران و واکنش روانی تسلیم بود. نتایج پژوهش نشان داد مسیر مستقیم سبک فرزندپروری مستبدانه با واکنش‌های روانی (مقاومت) معنادار بود، که با پژوهش کین و همکاران (۲۰۱۷)، ایزنبرگ و همکاران (۱۹۹۲) و میتسون و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. در واقع تأکید والدین که از دیگران اطاعت داشته و تسلیم باشند، واکنش روانی (مقاومت) در کودکان را افزایش می‌دهد و با تهدید شدن خودمختاری در عمل و اجبار در عمل، انگیزه‌های اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد و این کودکان با درخواست‌های همسالان خود بیشتر مخالفت می‌کنند (ایزنبرگ و همکاران، ۱۹۹۲). در تبیین این موضوع می‌توان گفت که سبک فرزندپروری مستبدانه به دلیل اینکه رویکرد تنبیه و قوانین سفت‌وسختی را در بر می‌گیرد، باعث می‌شود کودک از قوانین تعیین‌شده توسط والدین، برای جلوگیری از تنبیه شدن و جرمه شدن از سوی والدین پیروی کند؛ بنابراین رفتارهایی که از خود نشان می‌دهد موقتی است و بدون اراده کامل این کارها را انجام می‌دهد. همچنین این خانواده‌ها به نیازها و عواطف فرزندان‌شان توجه نمی‌کنند، که این باعث می‌شود کودکان در برقراری ارتباط با والدین دچار تنش شوند، تا جایی که اعتماد خود را از دست بدهند و ادامه این وضعیت باعث می‌شود که به دنبال فضایی برای تنش باشند و خود را با هم‌سالانی که تجربه مشابهی برای بیان احساسات و باورهای خود دارد درگیر کنند؛ زیرا اکنون جایی برای بیرون ریختن احساسات دارند. احساس پوچی روحی و آزادی جست‌وجوشده توسط آن‌ها، باعث می‌شود در معرض عناصر منفی قرار گیرند (در واقع میل به آزمایش چیزهای جدید، تمایل به داشتن آزادی و توجه است) و آزادی که آن‌ها به دنبال هستند، با نقص قانون و بدون تأمل در عواقب اعمال‌شان است. تحقیقات کیفی نشان می‌دهد بدون اینکه آن‌ها بدانند، به دلیل قضاوت ضعیفشان اشتباه‌های زیادی انجام داده‌اند، و بر این روش فرایند یادگیری را طی می‌کنند. به دلیل تعارض و استرس روانی که دریافت کرده‌اند، نمی‌توانند والدین را به عنوان پناهگاه امن درک کنند و به علت عدم ارتباط با والدین واکنش روانی مقاومت در آن‌ها بالا رفته و دچار طغیان می‌شوند (امران و بصری، ۲۰۲۰).

در این پژوهش، مسیر مستقیم بین سبک‌های والدینی مقتدر و رفتار جامعه‌پسند، و همچنین پیوند والدینی (حمایت افراطی و مراقبت) با رفتار جامعه‌پسند با ورود واکنش‌های روانی تسلیم و مقاومت به مدل، معناداری خود را از دست داد. در واقع واکنش‌های روانی تسلیم و مقاومت در برابر دیگران نقش میانجی در رابطه سبک فرزندپروری مقتدر و پیوند والدینی (مراقبت و محافظت افراطی) با رفتار جامعه‌پسند دارد. سبک والدگری مقتدرانه با سطوح بالای رفتار جامعه‌پسند و مهار والدینی بیشتر، با کاهش این رفتار همراه است و نقش والدین را به عنوان مهم‌ترین عامل در جامعه‌پذیری فرزندان مورد تأکید قرار می‌دهد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، باتوجه به پژوهش‌ها، در خانواده‌هایی که در آن به میزان زیادی گفت‌وگو بین اعضای خانواده صورت می‌گیرد، و علت‌هایی که برای محدودیت‌ها وجود دارد گفته می‌شود، باعث می‌شود اعضای خانواده

محیط را انعطاف‌پذیر ببینند و دریابند که می‌توانند عقایدشان را مطرح سازند. در واقع فضای این خانواده‌ها برای اعضای آن به منزله ایرادگیری و سرزنش حس نمی‌شود، در نتیجه اعضای آن می‌توانند از احساسات همدیگر آگاهی پیدا کنند، و این آگاهی از احساسات میزان همدلی را افزایش می‌دهد. همدلی (عاطفه گرم، اهمیت قائل شدن برای دیگران)، که یکی از مؤلفه‌های رفتار جامعه‌پسند است، باعث می‌شود افراد در شرایط تنش‌زا خود را به جای دیگری قرار بدهند و در نهایت به شخص مقابل کمک کنند (مالوندا و همکاران، ۲۰۱۹). چون در خانواده‌های مقتدر، برای استقلال فردی ارزش فراوانی قائل می‌شوند، این مسئله باعث می‌شود هر یک از اعضای خانواده مسئولیت‌های مرتبط با خود را داشته باشند. و این مسئولیت‌پذیری باعث می‌شود بذر انضباط و عدالت اجتماعی در افراد خانواده پرورش یابد و در جامعه هم به دنبال این عدالت اجتماعی باشند، و این میل به عدالت، واکنش در برابر نفوذ دیگران را کاهش داده و انگیزه رفتار جامعه‌پسند را در آن‌ها افزایش می‌دهد (نیکوگفتار و میرغفاری، ۲۰۲۰).

همچنین باتز و همکاران (۲۰۲۰) گفتند که پیوند والدینی پایین (مراقبت پایین و محافظت بیش از حد)، احساس طرد در فرزندان را ایجاد می‌کند و موجب اثرگذاری بر سلامت هیجانی و رفتاری‌شان می‌شود، در نتیجه نمی‌توانند واکنش‌های روانی مناسب و هیجان‌های مثبت در برابر درخواست‌های دیگران برای کمک کردن داشته باشند. لذا واکنش در آن‌ها با احساس اجبار و اطاعتی است (که والدین قبلاً با آن‌ها داشته‌اند) و این واکنش انگیزه هرگونه کمک کردن به دیگران را از آن‌ها می‌گیرد.

باتوجه به یافته‌های پژوهش، مسیر مستقیم بین واکنش روانی تسلیم و واکنش روانی مقاومت در برابر نفوذ دیگران و رفتار جامعه‌پسند معنادار است که با نتایج سپاه‌منصور (۱۳۹۶) و پاسکال (۲۰۲۱) همسو است. در تبیین این مطلب می‌توان گفت جامعه‌پسندی متغیری است که منبع کنترل بیرونی واکنش روانی به شمار می‌رود (شمخالی، ۱۳۹۹). اگر پیام‌هایی که برای افراد برای کمک به دیگران طراحی می‌شود با اجبار انتخاب کمک کردن همراه نباشد، واکنش روانی در افراد کاهش می‌یابد؛ زیرا فرد حق انتخاب دارد. انسان‌ها دو سیستم انگیزشی زیربنایی دارند که به طور خودکار به اطلاعاتی که فرصت پردازش را فراهم می‌کند پاسخ می‌دهد. یک سیستم انگیزشی به محرک‌هایی همچون غذا، جنسیت، تعلق اجتماعی و همدلی پاسخ می‌دهد. در مقابل، سیستم انگیزشی که به طور خودکار به اطلاعات موجود در محیط که نشانه تهدید و خطر است پاسخ می‌دهد. بنابراین واکنش روانی پیام‌ها از نظر جامعه‌پذیری، خبرگی و اعتمادپذیری ارزیابی می‌شوند (کلایتون و همکاران، ۲۰۱۸). انطباق بدون فشار و اینکه شخص آزاد باشد، او را وادار می‌کند آنچه از او انتظار می‌رود انجام دهد. بنابراین استنباط‌های کلامی ساده که احساس آزادی در آن فهمیده شود، انطباق افراد با درخواست‌ها را افزایش می‌دهد. در واقع فرد باور می‌کند که در مقابل محیط، او مبتکر رفتار خویش است و تحت هیچ فشار خارجی قرار ندارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند در این صورت هنگامی که فرد در خیابان با درخواست غریبه‌ای برای کمک مواجه می‌شود، نه‌تنها با این درخواست موافقت می‌کند، حتی خود را بخشنده‌تر از کسانی که در حالت کنترل‌اند نشان می‌دهند (پاسکال و همکاران، ۲۰۲۱). از طرفی، همدلی به عنوان یک ویژگی درونی، باعث حساسیت اجتماعی بیشتر و درک بیشتر دیگران، واکنش روانی مقاومت در برابر نفوذ دیگران را کم می‌کند و رفتار جامعه‌پسند را در فرد افزایش می‌دهد (سپاه‌منصور، ۱۳۹۶).

پژوهش حاضر نشان داد که مسیر مستقیم پیوند والدینی (مراقبت و حمایت) با واکنش روانی مقاومت در برابر نفوذ دیگران در خود معنادار است که با یافته‌های لیندل، کلایر و آلکس^{۴۲} (۲۰۱۸) همسو است. طبق نظریه برم (۱۹۹۶)، طغیان زمانی رخ می‌دهد که افراد به استقلال خود ارزش می‌دهند و هنگامی که تهدیدهایی را متوجه استقلال و آزادی خود می‌بینند، حالت انگیزشی به نام واکنش القا می‌شود که برای برگرداندن آزادی و استقلال از دست‌رفته است. این واکنش ممکن است با خشم و خصومت همراه باشد (لایزر و فرازر، ۲۰۱۹). باتوجه به اینکه این واکنش، شخصیتی و مستقل از محرک است، این خشم زمانی به وجود می‌آید که شخص احساس کند تحت کنترل است، و فرد از منابع خود برای مقاومت و غلبه بر موضوع استفاده می‌کند (کلایتون و همکاران، ۲۰۱۸). چون پیوند والدینی بالا با صمیمیت و تشویق به استقلال همراه است و احساس کنترل و تهدید شدن آزادی کم است. همچنین در خانواده‌هایی با پیوند والدینی بالا، گرمی و گفت‌وگوی والدین با فرزندان در خانواده‌ها زیاد است و حتی اگر فرزندان مرتکب اشتباه شوند، فرصت بیان دارند و این باعث می‌شود فرزندان بتوانند در اطراف خود به راحتی کاوش کنند و احساس ایمنی جهت‌گیری مثبت و اعتماد به دیگران را به دست آورند. وقتی فرزندان رفتار والدین را به صورت عاطفه مثبت همراه با تشویق به استقلال درک می‌کنند، این پذیرش شرط لازم برای عزت نفس بالاست و باتوجه به اینکه تهدید شدن عزت نفس یکی از عوامل بروز واکنش روانی (خشم) است، می‌توان به اهمیت پیوند والدینی در کنترل خشم به عنوان یک صفت واکنشی اشاره کرد. پژوهش‌ها نشان داد در زمینه فرزندپروری، ادراک والدین ممکن است با نحوه درک خود نوجوانان مطابقت نداشته باشد؛ زیرا اگر نوجوانان احساس می‌کردند که توانایی بالایی برای انتخاب دارند، اما والدینشان موافق نیستند و قوانین سفت‌وسختی اتخاذ می‌کنند و هنگامی که والدین در رفتارهای تربیتی حالت دستوری بیشتری داشتند و قوانین اتخاذ شده بیشتری گزارش می‌کردند، نوجوانان انگیزه کمتری برای اجرای آن قوانین و اطاعت داشتند (وان نی و همکاران، ۲۰۲۱).

نتایج پژوهش نقش واسطه‌ای واکنش روانی تسلیم و مقاومت در برابر نفوذ دیگران را در رابطه بین سبک فرزندپروری و رفتار جامعه‌پسند تأیید می‌کند که با نتایج لایزر و فرازر (۲۰۱۹) همسو است. چون در خانواده‌های مقتدر برای استقلال فردی ارزش فراوانی قائل‌اند، این مسئله باعث می‌شود هر یک از اعضای خانواده مسئولیت‌های مرتبط با خود را داشته باشند. و این مسئولیت‌پذیری باعث می‌شود بذر انضباط و عدالت اجتماعی در افراد خانواده پرورش یابد و در جامعه هم به دنبال این عدالت اجتماعی باشند، و این میل به عدالت، واکنش (مقاومت) در برابر نفوذ دیگران را کاهش داده و انگیزه رفتار جامعه‌پسند را در آن‌ها افزایش می‌دهد (نیکوگفتار و میرغفاری، ۲۰۲۰). وقتی افراد کنترل والدین را با گرمی ادراک می‌کنند، احساس آزادی انتخاب بیشتری دارند و لذا انطباق‌های بیشتری در برابر تسلیم شدن در برابر محدودیت‌های بیرونی دارند. این افراد انطباق‌های گزارش‌شده‌ای از خود در محدودیت‌های رانندگی داشتند (باتز، ساموری و لنون، ۲۰۲۰). از طرفی چون واکنش روانی به عنوان صفتی با ویژگی‌های فردی همچون خشم، افسردگی، شادکامی و همرنگی در ارتباط است، این‌گونه رفتارهای پرخاشگرانه با رفتار جامعه‌پسند رابطه منفی دارد. والدین با نوع سبک‌های فرزندپروری می‌توانند باعث کاهش واکنش روانی مقاومت و تسلیم در فرزندان شوند، افزایش به‌زیستی روانی و کاهش استرس و افسردگی میزان واکنش روانی (مقاومت) را در فرزندان کاهش و انطباق آن‌ها را با کمک‌های درخواستی از دیگران افزایش می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت ساختار خانواده در رشد شخصیت به شکل‌های متفاوت تأثیرگذار است. سبک فرزندپروری مقتدرانه ویژگی‌هایی مانند محبت و گرمی را شامل می‌شود، و چنین والدینی مشوق فرزندان‌شان هستند تا آن‌ها نظراتشان را، هرچند نادرست باشد، و همچنین هیجان‌هایشان را درست و کامل بیان کنند. در واقع این نوع سبک فرزندپروری از سویی گرم و محبت‌والدین را نشان می‌دهد و از سوی دیگر می‌تواند به‌راحتی با فرزندان مقابله کند و دلایل منطقی پشت قوانین و مقررات را توضیح دهد. بنابراین فرزندان این والدین طیف وسیعی از احساسات را نشان می‌دهند و قادر به خودتنظیمی هیجانی هستند و احتمالاً سرکش و پرخاشگر نیستند (اونساندو و همکاران، ۲۰۲۱).

والدین مستبد که قوانین سخت و سخت‌گیرانه‌ای وضع می‌کنند و از فرزندان‌شان انتظار اطاعت کامل دارند، به استقلال داشتن تشویق نمی‌کنند و رفتار فرزندان را به گونه‌ای شکل می‌دهند که مجموعه‌ای از استانداردها را رعایت کنند. در نتیجه، فرزندان وقتی مجموعه‌ای از قوانین سخت و سریع را اجرا می‌کنند، بذر شورش و طغیان را می‌کارند. در واقع این تأثیرات منفی ابتدا به صورت طغیان و قلدری و بعدها به رفتار ضداجتماعی تبدیل می‌شود. تنظیم هیجانی با این سختگیری و سنگدلی کاهش می‌یابد و باعث خشم و پرخاشگری می‌شود که با رفتار جامعه‌پسند نسبت عکس دارد (انساندو و همکاران، ۲۰۲۱). از طرفی دوار (۲۰۱۰) سبک فرزندپروری مستبد را به این دلیل که مجبور به اطاعت هستند مستعد واکنش روانی (اطاعت) می‌داند، که با نتایج این پژوهش همسو نیست. بیشتر متون بازبینی‌شده والدین مستبد را به واکنش‌های طغیان و در نتیجه پرخاشگری و رفتارهای نامناسب نسبت می‌دهد که با یافته‌های دوار (۲۰۱۰) در تناقض است (آدرناتی و موتانی، ۲۰۲۰).

نتایج پژوهش نقش واسطه‌ای واکنش روانی تسلیم و مقاومت در برابر نفوذ دیگران را در رابطه بین پیوند والدینی (مراقبت و حمایت) و رفتار جامعه‌پسند تأیید می‌کند، که با نتایج باتز و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. والدین کنترلگر (حمایت افراطی)، محیط‌های تسهیل‌کننده ارضای نیازهای استقلال، شایستگی و ارتباط را کاهش می‌دهند، نیاز کودک به وابستگی را در مقابل نیاز کودک به شایستگی و استقلال را از طریق کناره‌گیری از عشق، القای گناه، ابراز صریح ناامیدی و مالکیت قرار می‌دهند و این کنترل روان‌شناختی عامل خطری برای پاسخ‌های ذهنی مانند انطباق یا طغیان است. در واقع کنترل روانی با محدود کردن رفتار کودک به عنوان یک تهدید خارجی عمل می‌کند و باعث واکنش روانی می‌شود. لذا عنصر روان‌شناختی نیاز به ارتباط با والدین در مقابل نیاز به استقلال به عنوان یک تهدید درونی عمل می‌کند؛ زیرا باعث می‌شود کودکان از بین نیاز به استقلال و نیاز به ارتباط با والدین، فقط یک نیاز را در اولویت قرار بدهند. پیروی از والدین نیاز به ارتباط را بر آورده می‌کند، اما نیاز به استقلال را برآورده نمی‌کند. از طرفی ممکن است مقاومت در برابر والدین کنترل‌کننده نیاز کودک به خودمختاری و استقلال را به قیمت نیاز کودک به والدین برآورده کند، که با پیامدهای درونی مانند افسردگی و پیامدهای بیرونی مثل رفتار ضداجتماعی ارتباط دارد (لایرز و فرارز، ۲۰۱۹). لذا والدینی که مجموعه‌ای از استانداردها برای رفتارهای سازگارانه اجتماعی تعیین می‌کنند، واکنشی را در کودکان ایجاد می‌کنند که به سطوح پایین‌تر انطباق کودک با درخواست‌های همسالان برای رفتار اجتماعی منجر می‌شود (لایرز و فرارز، ۲۰۱۹). توجه کم (مراقبت پایین) والدین، که صورت بی‌تفاوتی و سرد بودن است، با سرکشی ارتباط دارد. در صورتی که کودکان در معرض تأثیرات منفی مانند سرد بودن، بی‌محبتی

و توجه قرار بگیرند، این تأثیرات منفی ابتدا به صورت طغیان و دروغ‌گویی و بعد به فعالیت‌های ضداجتماعی‌تر تبدیل می‌شود (آدرناتی و موتانی، ۲۰۲۰).

بنابراین سبک‌های فرزندپروری با واکنش‌هایی که در فرزندان ایجاد می‌کند، رفتار جامعه‌پسند در آن‌ها را از طریق ایجاد پرخاشگری، طغیان و همدلی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از محدودیت‌های این پژوهش، استفاده از پرسش‌نامه‌ها، به عنوان یک ابزار خودگزارشی است، که ممکن است تحت‌تأثیر سوگیری و خوشایند بودن قرار بگیرد. همچنین منحصر بودن گستره پژوهش به دانش‌آموزان پسر منطقه ۲ و ۵، تعمیم‌پذیری نتایج را با محدودیت دشوار می‌سازد. همچنین این پژوهش از نوع همبستگی است و بین سبک فرزندپروری و رفتار جامعه‌پسند رابطه وجود دارد. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی با هدف ارتقای سبک‌های فرزندپروری برای زوجین برگزار شود؛ زیرا نحوه ارتباطی که آن‌ها با فرزندان خود دارند، زمینه مهمی برای ارتقا رفتارهای فرزندان در جامعه هستند، به ویژه والدینی که اطاعت فرزندان برایشان مهم است، واکنش‌های روانی را در فرزندان افزایش می‌دهد که میزان مقاومت آن‌ها را در همه شرایط بالا می‌برد و آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. همچنین برای نوجوانان برنامه‌هایی تحت عنوان همدلی برای کاهش واکنش روانی و انجام پژوهش بر روی جامعه‌های دیگر و دختران پیشنهاد می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Labrroo & Goldsmith
2. Coyne, Padilla-Wallker, Laura, Holmge-rn , Davis & Collier
3. Marsh, Marsh, Lee & Hurlemann
4. Brazzelli, Grazzai & Pepe
5. Bagan, Tur-porcar & Liorca
6. Arifiyanti
7. Alexander, Bhaumic, Wilson & Chande-ran
8. Kil, Oneill & Grusec
9. Lan & Wang
10. Syahrill, Yusuf, Ilfiandra & Adiputra
11. Shamkhaly
12. Psychological Reactance Theory (PRT)
13. Brehm
14. Laird & Fraser
15. Kang
16. Clayton, Lang, Ieshner & Quick
17. Valentino
18. Hajek & Hafner
19. Kim
20. Eisenberg, Wol chic, Goldberg & Engel
21. Yousefi & Sepahmansour
22. Pacaul, Salonova & Bouhassine
23. Missotten, Luyckx, Brang & Ptegem
24. Morselli & Passini
25. Van Nee, Van Kleef & Van Trijip
26. Behzadi, Sarvoqd & Samani
27. Mesurado & Richaud
28. Pishghadam & Ebrahimi
29. Grvand
30. Gharadaghi & Amani
31. Aderanti & Motolani
32. Onsando & Mwenje
33. Malonda, Llorca, Mesurado, Samp-er & Mstre
34. Malonda, Llorca, Mesurado, Samp-er & stre
35. BateZ, Somoray & Lennon
36. Syawal Amran & Anor Basari
37. Saidi, Ahmadian & Saffarinia
38. Penner Perscial Personality Scale
39. Hang and Faedda Psychological Reactance
40. Zokaeifar & Mousazadeh
41. Parental Bonding Inventory
42. Lyndel, Klaire & Alexia

References

- Adernati, R. A., & Taivo Motalani, W. (2020). Parenting Styles as Correlates of Rebellious Behavior.
- Arifiyanti, N. (2019). Relationships between Authoritative Parenting Style and Preschool Prosocial Behavior. *Journal Obsesi*, 3(2), 311-319.
- Bagan, G., Tur-Porcar, A. M., & Liorca, A. (2019). Learning and Parenting in Spanish Environments: Prosocial Behavior, Aggression, and Self-Concept. *Journal Sustainability*, 11, 5193.
- Bates, L., Somoray, K. & Lennon, A. (2020). Parenting Style, Young Driver Compliance and Imposition of Additional Driving Restrictions Withingraduted Driver Licensing Systems. *Accident Analysis & Prevention*, 144, 105619.
- Behzdi, B., Sarvghad, S., & Samani, S. (2011). Confirmatory Factor Analysis on the Farsi Version of the Parker Parental Attachment Scale. *Psychological Methods and Models*, 2(6), 81-98 [Persian].
- Brazzelli, E., Grazzani, I., & Pepe, A. (2020). Prpmoting Prosocial Behavior in Toddlerhood: A Conversation-Based Intervention at Nursery. *Journal of Experimental Child Psychology*. DOI: 10.1016/j.jecp.2020.105056.
- Clayton, R. B., Lang, A., Leshner, G. & Quick, B. L. (2018). Who Fights, Who Flees? An Integration of the LC4MP and Psychological Reactance Theory. *Media Psychology*, 22(4), 545-571.
- Coyne, S. M., Padilla-Walker, M. L., Holmgren, H. G., Davis, E. J. & Collier, K. M. (2017). A Meta Analysis of Prosocial Media on Prosocial Behavior Aggression, and Empathic Concern, *Multidimensional Approach Faculty Publications*. 54(2), 331-347.
- Eisenberg, N., Wolchic, A., Goldberg, I. & Engel, I. (1992). Parental Values Reinforcement, and Young Chidrens Prosocial Behavior: A Longitudinal Study. *Research and Theory on Human*. 153(1), 19-36
- Gharadaghi, M., & Amani, A. (1401). Effectiveness of Triple P Positive Parenting Skills Training on the Quality of Mother-Child Relationship, Parental Self-Efficacy and Emotional Control of Mothers of Children of Divorce. *Journal of Family Research*, 18(3), 423-443 [Persian].
- Grvand, H. (1401). Modeling the Mediating Role of Thinking Styles in the Causal Relationship between Parenting Styles and Motivational Orientations. *Journal of Family Research*, 18(1), 9-119.127 [Persian].
- Hajek, H. (2021). Dynamics of Opposition-How Fear and Sorrow Moderate Reactance Arousal During the COVID-19 Pandemic. *Clin Neuropsychiatry*, 28(1), 1-16.
- Kang, D. (2020). Examining the Influence of Social Cmparison on Psychological Reactance. A Thesis Submitted to the Gradute Faculty in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master.
- Kil, H; Oneill, D. & Grusec, J. E. (2021). Prosocial Motiyation as a Mediator between Dispositional Mindfulness and Prosocial Behavior. *Personality and Individual Differences*. 177(3):110806.
- Labroo, A. A., Goldsmith, K. (2021). The Dirty Underbelly of Prosocial Behavior: Reconceptulizing Greater Good as an Ecosystem with Unintended Consequences. *Journal of Consumer psychology*, 31(3), 417-428.

- Laird, R. D. & Frazer, A. L. (2019). Psychological Reactance and Negative Emotional Reactions in the Link between Psychological Control and Adolescent Adjustment. *Social Development*, 29(1), 159–177.
- Lan, X., & Wang, W. (2020). Is Early Left-Behind Experience Harmful to Prosocial Behavior of Emerging Adult? The Role of Parental Autonomy Support and Mindfulness. *Current psychology*, 41(4), 1842–1855.
- Lyndel, B., Klaire, S. & Alexia, L. (2020). Parenting Style, Young Driver Compliance and the Imposition of Additional driving Restriction within Graduated Driver Licensing Systems. *Accidents Analysis & Prevention*, 144, 105619.
- Malonda, E., Liorca, A., Mesurado, B., Samper, P. & Mestre, M. V. (2019). Arenters or Peers? Predictors of Prosocial Behavior and Aggression: Alongitudinal Study. *Frontiers in Psychology*, 10, 2379.
- Marsh, N., Marsh, A. A., Lee, M. L. & Hurlemann, R. (2020). Oytocin and the Neurobiology of Prosocial Behavioral. *Neuroscientist*, 27(6), 604-619.
- Mesurado, B. & Richaud, M. (2016). The Relationsheep between Variables, Empathy and Prosocial-Flow with Prosocial Behavior Toward Strangers, Friends, and Family. *Journal of Happiness Studies*, 18(3):843–860.
- Missotten L. C., Luyckx, K., Brange, S. & Van ptegem, S. (2017). Adolescents Conflict Management Style with Mothers: Longitudinal Associations with Parenting and Reactance. *Youth Adolescent*, 47, 260-274.
- Morselli, D. & Passini, S. (2012). Rights, Democracy and Values: A Comparison between the Representations of Obedience and Disobedience in Italian and Finish Students. *International Journal of Intercultural Relations*, 36, 682-693.
- Nikogoftar, M. & M. Mirghaffari, S. (2019). The Relationsheep of Social Health and Psychological Capital of Parents with Adolescent Prosocial Behavior. *Development Psychology Iranian Psychplogy*, 17(65), 95-107.
- Onsando, E., K. Mwenje, M. & Githui, P. (2021). The Influence of Parenting Style on Male Juvnile Delinquency: Acase of Kamiti Yoyth Correction and Training Center. Kiambu County, Kenya. *European Journal of Humanities and Social Sciences*, 9(3), 2736-5522.
- Pascual, T., Salanova, I., Bouhassine, C., Denis-Remis, D., Priolo, F. & Griandalo, N. (2021). Does Chaining Always Work Toward Compliance Gaining? The Case of the but you are Free Technique and Social Proof Applied to Charitable Donation. *European Review of Applied Psychology*, 14(1), 123-134.
- Pishghadam, R. & Ebrahimi, Sh. (1401). Introducing Parenting Styles Based on Parents' Concerns: A Study of Zebb-e Song. *Journal of Family Research*, 18(4), 695-714 [in Persian].
- Saffarinia, M., Bayat, Sh., & Nurmohamadi, A. (2017). A Comparison of Prosocial Personality, Psychological Reactance Percived Social Support, and Defens Styles in Parents of Children with Physicl and Mobility Impairment and Healthy Children in Isfahan. *Exceptional Childrens Quarterly*, 17(4), 15-26 [in Persian].
- Saidi, S. Ahmadian, H. & Saffarinia. (2019). The Model of Relationsheep Between Social Prespective Taking and Self-Control with Prosocial Personality Through Mediator Role Emotion Empathy. *Journal of Social Cognition*, 2(8), 80-90 [in Persian].

- ShamKhali, L. (2020). A Comparison of Prosocial Personality and Belief in a fairly World and the Psychological Reaction of Tehrans Adolescent Supported and Street Working Girls. *The Women and Families Cultural-Educational*, 14(50), 93-106 [in Persian].
- Sook Kim, H. (2021). The Role of Legal and Moral Norms to Regulate the be Havior of Texting while Driving. *Traffic Psychology and Behaviour*, 52(1), 21-31.
- Syahrill, M., Ilfiandra, S. (2020). The Effect of Parenting Patterns and Empathy Behaviora on Youth Prosocial. *International Journal Of Instruction*, 13(3), 223-232.
- Syawal Amran, M., Anor Basari, N. (2020). Investiating the Relationsheep between Parenting Styles and Juvnile Delinquent Behaviour. *Universal Journal of Educational Research*, 8(11), 25-32.
- Valentino, N. A., Brader, T., Gregorowicz, K. & Huutchings, V.L. (2011). Election Night Alright for Fighting: The Role of Emotion in Political Participation. *The Journal of Politics*, 73(1), 156-170.
- Van Nee, R. L., Van Kleef, E. & Van Trijip, C.M.H., (2021). Preadolescents Food Consumption at School: Influence of Autonomy Competence and Parenting Practicees. *Nutrients*, 13, 1505.
- Yousefi, M. & Sepah Mansour, M. (2015). Diction of Social Weii-Being Based on Sociable Personality and Psychological Reaction. *Journal of Social Psychology*, 44(12), 93-105 [in Persian].
- Zokaeifar, A & Mouazadeh, T. (2020). The Role of Parental Parenting Styles Preceding Social Development Of Preschool Children 5 and 6. *Social Psychology Research*. 10(37), 87-100[in Persian].